

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)

جلسه ۵۳

۱۳۹۵ / ۰۱ / ۳۰

■ توبه همه‌جانبه، شرط دستیابی به قرب الهی

■ شرح اسم جواد

■ اثبات الهی بودن امر امامت

■ تحلیل آرزو از منظر قرآن

■ پیامدهای آرزوهای دروغین

■ مدیریت و پرورش آرزوها

أَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقَرَبِ؛ ای خدا از تو درخواست می‌کنم به حق دو مولود در ماه رجب، محمد بن علی دوم و فرزندش علی بن محمد که برگزیده تو است، و به آنها تقرب می‌جویم به سوی تو بهترین تقرب را). قرب الهی مقصد اعلائی اولیای الهی است و فلسفه زندگی و به عبارتی فلسفه آفرینش انسان، تقرب به حضرت حق است که مراتبی دارد. امام تمنای عالی‌ترین سطح قرب را در پرتوی ولادت و به میمنت ولادت این دو امام دارند.

این متن جزء متون عالی در دعاهای ماه رجب است و بخش اخیرش به ما نشان می‌دهد که مسیر قرب را باید از یک توبه‌ی همه‌جانبه شروع کنیم: «يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَ حُسْنَ الْأَوْبَةِ وَ التَّزْوَعَ عَنِ الْحَوْبَةِ وَ مِنَ النَّارِ فَكَأَكَ رَقَبَتِهِ وَ الْعَفْوَ عَمَّا فِي رِقَبَتِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
و بَدَأَهُ

توبه همه‌جانبه، شرط دستیابی به قرب الهی

امیدواریم خداوند متعال، میلاد پر برکت کوثر اهل بیت، حضرت جواد الائمه (علیه السلام) را بر شما و همه‌ی دوستان حضرت مبارک قرار دهد و سهم ما را از ولایت آن بزرگوار روزافزون قرار دهد.

در دعای رجبیه که از ناحیه مقدسه صادر شده است، امام عصر (عجل الله

تعالی فرجه الشریف)، ولادت ائمه‌ی هدی و

به خصوص این دو امام بزرگوار،

یعنی امام جواد و امام هادی (علیهما

السلام) را فرصت تقرب به سوی

خدای متعال می‌داند و می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَ ابْنِهِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُتَجَبِّ وَ

شرح اسم جواد

نکته دوم آنکه ما حضرت جواد (علیه السلام) را با لقب جواد می‌شناسیم که الهام‌بخش یکی از نام‌های دلربای حضرت حق است و تجلی ویژه‌ای در شخصیت حضرت امام محمدتقی (علیه السلام) دارد.

در دعای هر روز ماه رجب «یا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ...» تا قبل از کلمه «أَعْطِنِي» شرح اسم جواد را می‌خوانیم؛ اینکه مرکز امیدها است، یعنی امید خلق به او گره می‌خورد و از شر او احساس ایمنی می‌شود و در برابر کم، عطای فراوان دارد و گویا برای عطا دنبال بهانه است. اگر در برابر سؤال قرار گیرد، عطا دارد؛ یعنی سؤال در برابر او بی‌جواب نیست. بالاتر از این، حتی لازم نیست سؤال شود، همین که نیاز موجود باشد و حتی خود طرف نفهمد که این را می‌خواهد،

فَأَنْتَ مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَّتِهِ؛

از تو درخواست پذیرفتن توبه و حسن قبول آن و بیرون آمدن از گناه را دارد و اینکه از آتش دوزخش آزاد سازی و هر چه به ذمه او است، عفو فرمایی که تو مولای منی و بزرگ‌ترین آرزو و وثوقم تویی». مسیر تقرب به حضرت حق با

منزل توبه آغاز می‌شود؛ آن هم یک توبه‌ی همه‌جانبه. من که از تو «خَيْرَ الْقُرْبِ» یعنی بهترین شیوه قرب را توقع می‌کنم، از تو توبه را می‌خواهم.

ان‌شاءالله دوستان عزیز به این دعا مراجعه کنند و فیض ببرند. به نظر من امشب خواندن این دعا خیلی شیرین است. البته این دعا برای کل ماه وارد شده و اختصاص به این روزها ندارد؛ منتها تأکید به مولودی‌ن رجب شیرین است. این یک نکته بود.

آخرت، واژه جمیع نیامده است؛ زیرا شر آخرت یک چیز است و آن همین دور افتادن از رحمت حق است. در دنیا، شر، تکثر دارد، اما آنجا نه. بعد هم می‌گوییم: «فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنقُوصٍ مَّا عَطَيْتَ، وَ زِدْنِي مِن فَضْلِكَ يَا كَرِيمُ» تو که چیزی کم نمی‌گذاری، در مورد من الطافت را بیشتر بکن. در پایان هم می‌گویید: «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ...» که درخواست می‌کنید که خدای متعال چهره‌ی شما را از آتش غضبش دور کند.

همه‌ی امامان ما مظهر اسم جواد هستند، اما حضرت جواد الائمه (علیه السلام)، جلوه خاص نام مقدس جواد است؛ یعنی نمایندگی خاص در صفت جواد دارد و به همین اسم هم حضرت شناخته شده است. این یک معنا دارد و معنایش آن است که شما برای درخواست‌های خود از ظرفیت نمایندگی آن شخصیت

همین کافی است تا مورد عطای تو قرار گیرد: «يُعْطَى مَنْ لَمْ يَسْئَلْهُ». باز هم بالاتر می‌رود؛ لازم نیست حتماً برای عطای جواد، سائل، او را بشناسد: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ». شناختن، مانع از عطا نمی‌شود. جواد چنین کسی است.

با این مقدمه در شناخت و شرح اسم جواد که از اسمای حسنی الهی است، می‌گوییم: «أَعْطِنِي». آن وقت دیگر درخواست‌هایتان هم عادی نیست، بلکه عالی است: «أَعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ، جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ» تمام خیر دنیا و آخرت را یکجا از تو می‌خواهم. ذکر حقیقی این است و وقتی در تو شکل گرفت، چنین بازتابی دارد: «وَ أَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ» تمام بدی‌های دنیا و آخرت را از من دور کن. دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. در مورد

بزرگ، بهره ویژه می‌برید. اما نکته دیگری هم دارد و آن عبارت از اینکه ما تلاش کنیم در مسیر زندگی که از این اسم که متجلی در اولیای کامل است و در حضرت جواد، جلوه‌ی ویژه دارد، سهم داشته باشیم؛ چراکه خدای متعال جواد است و «يُحِبُّ كُلَّ جُودٍ». هر کس می‌خواهد محبوب حضرت حق شود، باید سهمی از جود در او باشد که درست نقطه مقابل بخل است. هر چه این سهم بیشتر باشد، شما بیشتر مورد عنایت حضرت حق هستید. روایت داریم که: «السَّخِيُّ الْحَسَنُ الْخُلُقِيُّ فِي كَنْفِ اللَّهِ لَا يَتَخَلَّى اللَّهُ عَنْهُ حَتَّى يَدْخُلَهُ الْجَنَّةُ»؛ [۱] سخاوتمند نیک‌رفتار در حفاظت و حمایت خداست، او را وانگذارد تا به بهشت وارد کند. سخاوت همین جود است. خدای متعال جود و سخاوت را خیلی دوست می‌دارد و

به شدت از بخل و آدم‌های بخیل متنفر است؛ حتی اگر به حسب ظاهر، در زمره‌ی آدم‌های متدین باشند. آنچه انسان را به حضرت حق نزدیک می‌کند، جود است که یک راه میان‌بر و نزدیک است. وقتی شما از باب جود می‌آیید، رابطه‌ی شما با بندگان خدا، رابطه‌ی دیگری می‌شود. وجود شما یک وجود نفع و سودرسان و خیررسان است، نه اینکه بنشیني تا بیایند دنبال تو، بلکه می‌روی سراغ آنها و پیگیر هستی.

سعی کنیم از این شرح الاسم سهمی داشته باشیم و شرح اسم جواد در دعای ماه رجب را در خود تقویت کنیم. بدین صورت که وجود ما امید بندگان خدا باشد و از شررسانی ما احساس ایمنی کنند و دست ما به عطا گشوده باشد؛ هم دست ظاهر و هم دست دل. گاهی شرایط ظاهری با تو یاری

توجه به این نکته بسیار شیرین است. معلوم می‌شود مسئله‌ی امامت، یک امر آسمانی، قدسی و ربوبی است. قرآن نیز می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ: [۲]» و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند، و به ایشان انجام دادن کارهای نیک را وحی کردیم». امامت کاملاً از سمت ما است و آنها کارگزار و عامل ما در بین خلق هستند. این مسئله را با همه‌ی امامان می‌شود فهمید، اما با امام جواد (علیه السلام) خیلی خوب می‌شود فهمید. امام جواد آیت العظمی حق در این ارائه هستند. یک کودک نابالغ، در علم و دانش و ورع و تدبیر و رهبری و وساطت امر، به منتهای کمال انسانی می‌رسد. معلوم می‌شود که این یک امر الهی آسمانی است و یک امر بشری نیست که بشود با استاد و کلاس و

می‌کند و گاهی نمی‌کند. انسانی که واصل به حقیقت جود باشد و صفت جود در وجود او مستقر شده باشد، اگر در جایی هم دستش خالی از عطا و جیش خالی باشد، اخلاقش بر مدار محبت است و همیشه از آن بهره‌مند است. در روایت نورانی هم فرمودند که ما می‌دانیم شما نمی‌توانید همیشه به خلق با اموال و دارایی‌هایتان عطا کنید، اما با اخلاق و محبت‌تان می‌توانید آنان را دلگرم سازید و پاسخ شیرین و امیدوارکننده بدهید و برای نیازمندان دعا بکنید. این هم نکته‌ی دوم.

اثبات الهی بودن امر امامت

نکته‌ی سوم توجه به این مطلب است که با وجود حضرت جواد (علیه السلام) می‌توانیم به عظمت مقام امامت و شدت ربط و اتصال آن به ساحت قدس ربوبی پی ببریم.

خدا نباشد، بلکه یک امر عادی بشری باشد، پیر هزار ساله هم که باشد، امام نیست. به این ترتیب ریّان، پاسخ یونس ابن عبدالرحمن را داد.

تحلیل آرزو از منظر قرآن

در بحث جاری صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجادیه، به این عبارت رسیدیم: «وَأَمَّا فِي أَمَانَتِنَا» یعنی خدا یا من به تو پناه می‌برم و توبه می‌کنم از اینکه بخواهم آرزوی خود را طولانی کنم. برای اینکه مسئله واضح شود، در جلسه‌ی گذشته، امل و آرزو را تشریح کریم و انواع و منشأ آن را از تحلیل روان‌شناختی عرض کردیم. سراغ آرزوهای طولانی آمدیم و آرزوهای جاهلانه را گفتیم. در آنجا منشأشناسی کردیم که معلوم شد حبّ دنیا وقتی به جهل ضمیمه می‌شود، دائماً آرزوهای طولانی در انسان تولید می‌شود. محصولش هم

مطالعه و کوشش به گوشه‌ای از آن رسید.

ریّان بن صلت در پاسخ به یونس بن عبدالرحمن [۳] که گفت تا آقا بالغ شوند ما چه کنیم؟ گفت: از تو توقع نبود که این حرف را بزنی! مگر تو هنوز امر امامت را نشناخته‌ای؟ امام، امام است؛ هر چند کودک یک‌روزه باشد. در مورد حضرت عیسی هم قضیه این‌گونه بود. بنی اسرائیل به حضرت مریم گفتند: با این بچه یک‌روزه چه صحبتی داریم؟ ناگهان حضرت عیسی فرمود: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» [۴] منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است و هر جا که باشم، مرا بابرکت ساخته، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است». اگر امامت از سوی

که بحث خیلی شیرین و مفصلی دارد. آنجا چند ویژگی مطرح شده که اولین آنها این است: «وَلَكِن كُنْتُمْ فِتْنَةً أَنْفُسَكُمْ» یعنی خودفربیی، دوم: «وَتَرَبَّصْتُكُمْ» یعنی تردید عملی، سوم: «وَأَرْبَبْتُمْ» شک نظری و چهارمین مورد: «عَرَّيْتُمْ الْأَمَانِيَّ» یعنی بازیچه دست آرزوها شدند. اینها ریشه‌های نفاق است. خودفربیی و تردید در عمل و شک نظری و آخرین مورد، بازیچه دست آرزوها شدن. آرزوها دائماً تو را فریب و بازی می‌دهند. «حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ» حتی وقتی مرگ فرا می‌رسد، سرخوش آرزوها است.

در جلسه‌ی قبل گفتیم، بعضی‌ها آرزوهایشان طناب باریکی است و زودتر قطع می‌شود، اما برخی آرزوهایشان همانند طناب کلفت است و دیرتر قطع می‌شود. با این حال فرقی نمی‌کند، اجل همه را قطع می‌کند.

این است که چنین کسی بازیچه‌ی آرزوها می‌شود.

آرزوها مایه تحرک و کار و نشاط و پیشرفت است، وقتی که توبه آرزوهای خود مسلط باشی و آنها را به وسیله عقل اداره کنی. آرزو در این شرایط می‌شود وسیله کیفیت‌بخشی به زندگی. اما اگر برعکس شد و آرزوها به جای آنکه در اختیار تو باشند، بر تو مسلط شوند، آن وقت چه می‌شود؟! جملات قرآن کریم در این مورد خیلی عجیب است: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» [۵] بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو[ها] سرگرمشان کند. پس به زودی خواهند دانست».

تعبیر دوم این است: «عَرَّيْتُمْ الْأَمَانِيَّ» [۶] آرزوها شما را غره کرد که در سوره مبارکه حدید آمده است. آیه ۱۴ این سوره پدیده نفاق را از نظر روان‌شناسی تحلیل کرده

تولید نیازهای پنداری می‌کند، به ازای نیازهای واقعی. چون آرزوها همیشه پل بین نیازها و هدفها هستند، وقتی نیازهای پنداری در انسان زیاد می‌شود، ناگهان بر شخص مسلط می‌شود.

موج آرزوها که باید زیر پای سالک باشد تا از آنها برای نشاطبخشی به زندگی و پیشبرد مقاصدش استفاده کند، بر شخص مسلط می‌شود. شخص مثل خاشاکی می‌شود روی امواج تا آنکه به نقطه مرگ برسد.

پیامدهای آرزوهای دروغین

در چند جمله، بر اساس آیات کریمه و کلمات اولیای خدا، بعضی از آثار آرزوهای دروغین را بیان می‌نمایم تا ببینید چه فاجعه‌ای رخ می‌دهد وقتی که قلب انسان، میدان آرزوها می‌شود.

آرزوها باعث می‌شوند که عقل محجوب شود. حضرت موسی

بعد از آن هم مورد پنجم را بیان می‌کند: «وَعَزَّكُم بِاللهِ الْغُرُورُ؛ [شیطان] مغرورکننده شما را درباره خدا بفریفت» که عبارت از عملیات ویژه شیطان روی این تیپ شخصیتی است. جالب است که در روایات داریم: «الْأَمَلُ سُلْطَانُ الشَّيَاطِينِ عَلَى قُلُوبِ الْغَافِلِينَ؛ [۷] آرزوی دور و دراز مایه سلطه شیاطین بر دل‌های غافلان است». یکی از ابزارهای اصلی شیطان برای تسلط بر انسان، آرزوهای غیر عقلانی است. قرآن نیز در این باره می‌فرماید: «يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ؛ [۸] شیطان به آنان وعده می‌دهد، و ایشان را در آرزوها می‌افکند». اساساً کار شیطان، تولید آرزوهای دروغین است.

از این بحث معلوم شد که آرزوهای دروغین یکی از مبادی نفاق است.

حبّ دنیا وقتی با جهل آمیخته شد، از آن آرزوهای دروغین تولید می‌شود تا آنجا که در شخص،

خاموش کند. «وَ مَحَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِفُضُولِ كَلَامِهِ» کسی که با زیاده‌گویی‌ها، تازه‌های حکمت را از وجود خودش محو می‌کند. معلوم می‌شود که پرحرفی بالای سنگینی بر سر انسان می‌آورد. «وَ أَطْفَأَ نُورَ عِبْرَتِهِ بِشَهَوَاتِ نَفْسِهِ» [۹] اگر کسی به مشتبهات نفسانی میدان دهد، نتیجه‌اش این می‌شود که عبرت ندارد. این جمله، خیلی شبیه جمله قبلی است.

چنین کسی دیگر نمی‌تواند درس و پند بگیرد. خدای متعال در تمام عالم، درس‌ها را برای سالک قرار داده است و تا وقتی در مسیر باشیم، ماه و خورشید و... درس و یار هستند. ولی اگر از مسیر خارج شدیم، همه‌ی اینها می‌شود بار! بعد حضرت جمع‌بندی کردند و فرمودند: «مَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ أَفْسَدَ عَلَيْهِ دِينَهُ وَ دُنْيَاَهُ» هر کس که عقلش را منهدم کرد، دین و دنیای

الکاظم (علیه السلام)، شیوه خاصی در ارائه حکمت‌ها دارند. قبلاً هم گفتیم که عمدتاً مسئله ایشان، مسئله‌ی عقل و فکر است. ما در مبدأ بحث جاری، به حدیث جنود عقل و جهل اشاره کردیم که از حضرت نقل شده است. در یک روایت مفصل، حضرت، به هشام به عنوان نماینده شیعه، در مورد عقل و تفکر و میدان دادن به اندیشه و جایگاه آن در تأمین خوشبختی انسان، مطالب نغزی را بیان می‌دارند. از جمله در این روایت هست که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمودند: «يَا هِشَامُ مَنْ سَلَطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ»، اگر کسی سه چیز را بر سه چیز مسلط کند، با دست خودش عقلش را منهدم کرده است. «مَنْ أَظْلَمَ نُورَ فِكْرِهِ بِطُولِ أَمَلِهِ» کسی که با آرزوهای دور و دراز، نور تفکر را در وجودش

خود را فاسد کرده است. دوستان من بدانند که دنیاداران، هرگز نصیب شایسته‌ای از دنیا ندارند؛ بر خلاف اینکه از امکانات برخوردار هستند. سرّ آن هم این است که در خانه ننشسته‌اند، بلکه خانه بر آنها نشسته است؛ سوار بر مرکب نیستند، بلکه مرکب بر آنها سوار است. اینها هیچ چیز از دنیا نفهمیده‌اند. برای همین حضرت فرمودند هم دنیایشان را فاسد می‌کنند و هم آخرتشان را؛ این را خوب بفهمیم. دنیا را با زهد می‌شود شناخت و شما وقتی زاهد شدی، مزه دنیا را می‌چشی.

قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»: [۱۰] بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزی‌های پاکیزه

را چه کسی حرام گردانیده؟». امام علی (علیه السلام) نیز فرمودند: «دنيا

معبد و متجر (محل تجارت) و مسجد دوستان خدا است».[۱۱] اما دنیامداران و دنیاداران اصلاً دنیا را نشناختند و هیچ نصیبی از دنیا ندارند. امام (علیه السلام) فرمودند: اگر می‌خواهید طعم زهد را بچشید، راهش این است که آرزوهای خود را مدیریت کنید. دنیا را با زهد می‌توانید به دست آورید. حالا چطور به زهد برسیم؟ با مدیریت آرزوها. وقتی آرزوها را مدیریت کردی و حلاوت زهد را چشیدی، سهم خود را از دنیا برده‌ای. این اولین مصیبت از آرزوهای دروغین بود که عقل را فاسد می‌کند و فکر را از کار می‌اندازد و جلوی سیر و سلوک را می‌گیرد.

اما پیامدهای آرزوهای طولانی؛ نخستین آن را گفتیم که کاهش عقل بود.

۲. فراموشی آخرت: «ینسی الآخرة».

۳. باعث بدعملی می‌شود؛ «سوء

دهیم؛ چراکه در غیر این صورت باخته‌ایم. مدیریت آرزوهای دروغین که عمدتاً مرتبط با دنیا است، در یک کلمه خلاصه شده و آن هم «**قصر الأمل**»؛ یعنی کاهش آرزوها است.

انشاءالله در ایام توبه‌ی ماه رجب، فصل عمده‌ای از توبه را به توبه از آرزوها اختصاص دهیم.

از یک نکته دیگر هم در ماه رجب غافل نمانید و آن، پرورش آرزوها است. به نظر من، هنر اولیای خدا در سیره‌ی تربیتی‌شان است و جلوه ویژه مکتب تربیتی اولیا، تربیت آرزوها است. سراغ دعاها بروید تا ببینید که نیازهای پنداری را افشا می‌کنند، سپس دلت را آزاد می‌کنند، بعد میدان دلت را به روی آرزوهای حقیقی می‌گشایند و توسعه می‌دهند.

پرورش آرزوها در محیط دعا است و حجم عظیمی از دعاهایی که از

العمل». اینجا حضرت از تناسب واژه‌ها هم استفاده می‌کنند.

۴. باعث «**قصر العمل**»، یعنی کاهش عمل می‌شود. شخص آرزوزده، گرفتار کم‌عملی هم می‌شود.

۵. قساوت قلب.

۶. تسویف یا همان وقت‌کشی؛ فردا فردا گفتن.

۷. گرفتار حزن و اندوه می‌شود.

اینجا می‌توان از کلمه پریشانی و افسردگی استفاده کرد که امروزه در علم روان‌شناسی از آن خیلی استفاده می‌کنند.

۸. تسلط شیطان؛ آرزوها باعث می‌شود دست شیطان بر انسان باز شود.

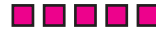
مدیریت و پرورش آرزوها

از این جملات یک نکته به دست می‌آید و آن اینکه مسئله مدیریت و مهندسی آرزوها یا تربیت آرزوها را دستور کار جدی خودمان قرار

اولیای خدا روایت شده، مکتب ویژه و اختصاصی تربیتی اولیای خدا است که حضرت سجاد (علیه السلام) شخص اول آن است. انشاءالله خدای متعال توفیق دهد تا از فرصت ماه رجب و شعبان و رمضان بهترین استفاده را ببرید.

- [۵]. حجر: ۳.
- [۶]. حدید: ۱۴.
- [۷]. آمدی، غررالحکم، ح ۷۲۰۶.
- [۸]. نساء: ۱۲۰.

[۹]. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۳.



[۱۰]. اعراف: ۳۲.

منابع و مأخذ

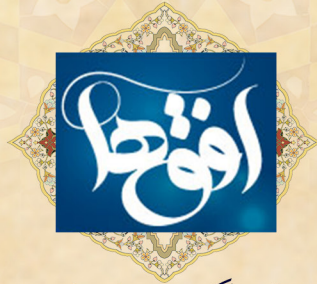
[۱۱]. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.

[۱]. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۴.

[۲]. انبیاء: ۷۳.

[۳]. هر دو از بزرگان شیعه هستند.

[۴]. مریم: ۳۰ - ۳۱.



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر